



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۶ سپتمبر ۲۰۲۱

حمید انوری

ترس، برادر مرگ است

ضرب المثل فوق، مانند اکثر مثل های ما مردم، همیشه در عمل ثابت می شوند و به مرور سالیان متمادی، حقانیت این مطلب را به نمایش میگذارند که این نوع ضرب المثل ها از تجربیات طولانی، سر بدر آورده اند.

این روز ها کاربرد ضرب المثل "ترس برادر مرگ است"، را می توان در دره زیبای پنجشیر با وضاحت و با چشم و سر دید که چگونه خود را به نمایش میگذارد.

"احمد مسعود"، پسر "احمد شاه مسعود"، قوماندان دره پنجشیر و مربوط به حزب جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی، از شاخه شورای نظار آن حزب، در دره پنجشیر، چند روزی خیزک و جستک زد و داد از مردم افغانستان زد و "مقاومت" و "مقاومت دوم" و...، باری هم برایش یاد دادند که فریاد برآورد و به طالبان تفهیم کند که اگر پلان حمله به پنجشیر را دارند، پشیمان خواهند شد و چند چرند دیگر...

و اما آنگاه که قوای طالبان قصد حمله به پنجشیر را نمودند، رنگ از رخ احمد مسعود پرید و به لرزیدن آغاز نمود، گفتند که گویا کوهی را در آن دره منفجر کرده اند و طالبان بیش از یکهزار نفر کشته و معیوب و اسیر داده و متباقی هم تسلیم شده اند و...، اما خبر های روز های بعد، خلاف قضیه را ثابت کرد و طالبان نظر به گزارشات متعدد و مختلف خارجی، از هفت ولسوالی پنجشیر، پنج آنرا تسخیر و تصرف نموده اند و باقی قضایا. همین دیروز سر خط اخبار بی بی سی چنین بود: " مقاومت پنجشیر؛ مسعود: اگر طالبان حملات را پایان دهند، حاضر به توقف جنگ هستیم"، این درحالی بود که جنگ در آن دره به شدت ادامه داشت و افراد و نیرو های طالبان گویا به مرکز دره رسیده بودند و احمد مسعود که ساخته و پرداخته چند خبر نگار و ژورنالیست و جاسوس فرانسوی است و درست مانند قبله گاه خود، یک ببر کاغذی بیش نیست که توسط یک تعداد استفاده جویان فرانسوی پُف گردیده و باد شده است، چنان ترس و وحشت بر او غلبه کرد که فوراً اعلان

کرد...حاضر به توقف جنگ هستیم" و گفته شد که امرالله صالح نیز به تاجکستان فرار کرده است و بسم الله محمدی نیز ناپدید شده است.

به این میگویند "ترس برادر مرگ است" و واقعاً هم چنین است و خواهد بود.

و اما سر خط امروز (پنجم سپتامبر ۲۰۲۱) آژانس خبر رسانی بی بی سی چنین بود:

"فهم دشتی سخنگوی 'جبهه مقاومت ملی' افغانستان کشته شد" و به تعقیب آن می خوانیم "...جبهه مقاومت ملی" افغانستان خبر داد که فهم دشتی سخنگوی این جبهه و جنرال عبدالودود زره، خواهرزاده احمدشاه مسعود، در درگیری در پنجشیر کشته شده اند. "، این خود میرساند که جنگ در مرکز آن ولایت رسیده است، به دلیل اینکه بصورت عموم، قوماندان عمومی و مسؤل، رهبری و تبلیغات چپان شان در مرکزیت قرار می داشته باشند و افراد و قوماندان های دست دوم و سوم شان در جبهات و سنگر ها. خواهرزاده احمد شاه مسعود یا پسر عمه احمد مسعود نیز با یقین کامل که در مرکز و در کنار احمد مسعود بوده باشد. احمد شاه مسعود نیز در طول جهاد با روس ها همیشه از دور جنگ را رهبری میکرد و هرگز شهادت آنرا پیدا نکرد که در مرکز جنگ قرار گیرد.

اینکه خود احمد مسعود در کجاست و در چه حالت، هنوز معلوم نیست. فیسبوک و تویتر و یوتیوب های متعدد آنها هم توسط اشخاص دیگر پیش برده می شوند و از خارج کشور و بصورت یقین از تاجکستان و از کولاب، جاییکه پدر احمد مسعود فرار کرده بود و فعالیت های جنگی را از آنجا اداره می کرد، رهبری می شوند، ورنه برق، تلفون و انترنت آن دره از مدتی است که توسط طالبان قطع گردیده است و آنها با بی بی سی و دیگر منابع خبررسانی از داخل دره هیچگونه ارتباطی برقرار کرده نمی توانند.

حال که فهم دشتی، رفیق زور احمد شاه مسعود و نیز خواهر زاده جنگی و جنرال ماشینی او هم کشته شده است، دیده شود که چه اتفاقاتی در راه تواند بود.

جنگ در پنجشیر و "مقاومت دوم" در پنجشیر، هرگز نمی تواند ملی باشد و آنهم به دلیل اینکه آنان در دره پنجشیر بیرق خراسان و شورای نظار و جمعیت اسلامی را بالا کرده اند، و نه بیرق ملی افغانستان را، پس آنها فقط برای منافع حزبی و سازمانی خود مبارزه میکنند و نه برای منافع ملی،

اگر میگوئید نه، چنین نیست، پس به این عکس توجه و دقت کنید:



طالبان هم که بیرق طالبی خود را در افغانستان برافراشته اند، دیر یا زود مجبور می شوند تا سر تعظیم به بیرق ملی افغانستان خم کنند. آنان همین حالا هم در مرکز و ولایت در مورد با مخالفت های جدی رو برو هستند.

این مختصر هرگز جهت تائید طالبان نبوده، نیست و نخواهد بود، بلکه جهت تذکر واقعیت های تلخی است که باید پذیرفت. جنگجویان شورای نظاری در افغانستان، درست مانند همه تنظیم ها و احزاب "جهادی" ساخته پاکستان و ایران، بار بار در افغانستان امتحان خود را داده اند و هیچکدام، هرگز و هرگز ملی نبوده اند و در هر امتحان هم ناکام مطلق برآمده اند، پس نتیجه می شود که "آزموده را، آزمودن خطاست"

طالبان نیز این امتحان دوم شان است که دیده شود، ناکام می مانند و یا به گونه ای، بصورت نسبی تغییری در روش خود ایجاد کرده می توانند، یا اینکه ناکام یا مشروط می شوند.

ای وای به حال ملت مظلوم افغانستان که در این امتحانات پنجاه ساله یک مشت جنگجو و جنگ آور و جنگ زده و جنگ گریز و جنگره، سنگ زیرین آسیاب بوده و هستند هنوز و تاوان جنگ های تحمیلی را با خون عزیزان و توته های جگر شان، می پردازند. بگفته زنده یاد سهراب سپهری:

